

# آداب تلاوت قرآن

تأليف:

شيخ محمد علي خالدي

(سلطان العلماء)

عنوان کتاب:

آداب تلاوت قرآن

تألیف:

شیخ محمد علی خالدي

موضوع:

آداب و تربیت (دعوت، گفتگو، زندگی، تعبیرخواب، جشن و سوگواری و...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

- ۲ ..... تلاوت قرآن بهترین عبادت است.
- ۲ ..... دلی که از قرآن بی بهره باشد محزون است.
- ۴ ..... عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع رسول الله ﷺ.
- ۸ ..... آداب ظاهری تلاوت قرآن.
- ۸ ..... تجوید بخوانیم:
- ۹ ..... آداب باطنی تلاوت قرآن.
- ۱۱ ..... اوصاف قرآن.
- ۱۳ ..... اوصاف قرآن از زبان دشمنان اسلام.
- ۱۵ ..... بازگشت به قرآن.

## تلاوت قرآن بهترین عبادت است

بدون تردید تلاوت قرآن بهترین عبادت است، خاصه اگر تلاوت در نماز و در حال قیام باشد.

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: «بهترین عبادت امت من قرائت قرآن است». همچنین می‌فرمایند:

«روز قیامت هیچ شفیع و شفاعت کننده‌ای از قرآن به خداوند نزدیک‌تر نیست». در جای دیگری می‌فرمایند: من از بین شما خواهم رفت، ولی دو واعظ را در بین شما خواهم گذاشت: یکی گویا و دیگری خاموش. واعظ گویا قرآن و واعظ خاموش مرگ است». ابن مسعود رضی الله عنه از رسول خدا روایت می‌کنند که: «قرآن بخوانید که مزد هر حرف آن ده حسنه است. نمی‌گویم که الم یک حرف است، بلکه الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است».

امام احمد بن حنبل می‌فرماید: «حق تعالی را به خواب دیدم. گفتم: یا رب، از طریق چه چیزی تقرب به تو فضیلت بیشتری دارد؟ گفت: از طریق قرآن و تلاوت آن. گفتم: اگرچه معنی آن را بفهمیم یا نفهمیم؟ فرمودند: اگر چه آن را بفهمید یا نفهمید».

## دلی که از قرآن بی‌بهره باشد محزون است

خداوند تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُوَ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ [الحج: ۳۰].

«کسی که تعظیم حرمت خداوندی را به جا آورد، برای او نزد پروردگارش بهتر است». تعظیم حرمت الله به معنای بزرگداشت قرآن، تعظیم پیغمبر و احترام علمای امت است. تعظیم قرآن نیز از طریق تلاوت آن و عمل کردن به دستورات آن حاصل می‌شود.

پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ». [روایت از عثمان بن عفان در کتاب‌های بخاری، ابو داود و ابن ماجه] «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد».

پدری که قرآن آموخته و آن را به فرزند خود می‌آموزد، معلمی که قرآن آموخته و به دانش آموز خود می‌آموزد و کسی که برای تعلیم قرآن سعی می‌کند، همه دارای این فضیلت هستند.

و رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالَّذِي يَقْرَأُهُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ». [روایت بخاری و مسلم].

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: «کسی که قرآن را در عین مهارت و تسلط بر آن بخواند همراه فرشتگان گرامی است و کسی که آن را روان نداند و در خواندن آن زحمت کشد دو اجر، یک اجر خواندن و یک اجر زحمت کشیدن را دارد».

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«مَا أَدْنَى اللَّهِ لِشَيْءٍ مَا أَدْنَى لِيَنِّي حَسَنَ الصَّوْتِ بِالْقُرْآنِ يَجْهَرُ بِهِ». [روایت بخاری و مسلم].

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: «خداوند اذن نداد به کاری مانند اذن دادنش به پیغمبر که قرآن را با صدای خوب و بلند می‌خواند».

در حدیثی دیگر رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَأَلْبَيْتِ الْحَرَبِ».

«هر کسی مقداری از قرآن را در سینه نداشته باشد مانند خانه مخروبه است».

خانه مخروبه فاقد زندگی است، سینه تهی از قرآن نیز خالی از خیر و برکت و روشنایی است.

پس با قرائت و تلاوت قرآن دل‌های خود را با کلام معنوی روشن و مزین گردانیم.

## عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع رسول الله ﷺ

احترام گذاشتن به رسول الله عقیده و ایمان هر مسلمان است. این احترام گذاشتن از طریق پیروی از او و نگهداری و رعایت دستور ها و فرمایش های او حاصل می شود. خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ [النساء: ۳۱].

«بگو: ای رسول خدا، اگر خدا را دوست دارید از من پیروی نمایید تا خدا شما را دوست بدارد».

زیرا دوستی خداوند برای کسانی محقق خواهد بود که از رسول خدا پیروی کنند. در جای دیگر می فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰].

«و کسی که فرمان خدا رسول خدا را گردن نهد در حقیقت فرمان خدا را گردن نهاده است».

رسول الله است که منبع رضایت خدا و موارد خشم او را برای ما مشخص ساخته است.

خداوند متعال شروط قبولی ایمان را قبولی عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع.... داوری رسول الله دانسته است، آن جا که می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«نه قسم به پروردگارت که ایمان نمی آورند تا آنکه در آنچه درمیانشان پیش می آید تو را داور سازند و آنگاه از داوری تو در دل های خود ناراحتی نیابند و تسلیم فرمان تو شوند».

ایمان داشتن در تسلیم فرمان پیغمبر شدن و پیروی از رسول الله نهفته است که او فرمود:

﴿كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، إِلَّا مَنْ أَبِي. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَبِي قَالَ: مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبِي﴾. «همه امت من به بهشت می روند مگر کسانی که خودداری کنند

و نخواهند. گفتند: یا رسول الله، چه کسی خودداری می‌کند؟ فرمود: کسی که فرمان مرا بپذیرد به بهشت می‌رود و کسی که نا فرمانی کند خودداری کرده است.»

در جهان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، تنها یک راه وجود دارد و آن فرمانبرداری از رسول الله ﷺ و احترام گذاشتن به اهل بیت، همسران، فرزندان، خویشان و اصحاب جلیل القدر آن حضرت است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳].  
«قطعاً خدای متعال بر این اراده کرده که پلیدی و نا پاکی را از شما اهل بیت رسول الله دور کند و شما را پاکیزه و مطهر گرداند». پاکیزه گرداندن اهل بیت رسول الله ﷺ شامل همسران، فرزندان و خویشاوندان رسول الله ﷺ می‌شود.

در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَأَرْوَاهُ وَأُمَّهَاتُهُمْ﴾ [الأحزاب: ۶].

«و همسران رسول الله مادران مومنانند (آنان را مانند مادر گرامی بدارید)».

«قال رسول الله ﷺ: لقد تركت فيكم أمرين لن تضلوا ما تمسكتم بهما كتاب الله وسنتي».

«بعد از خودم دو چیز باقی می‌گذارم کتاب خدا و سنتم، مادامی که به این دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد».

تمسک به کتاب و سنت هرگز گمراهی را در بر نخواهد داشت. واضح است که کلام الله و سنت رسول الله ﷺ هر دو با هم و همراهند. احترام اصحاب رسول خدا که جان، مال و فرزندان خود را در این راه نثار کردند در آیات بسیاری از کلام الله یاد شده، مثلاً در جایی خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ [الفتح: ۱۸].

«به راستی که خداوند متعال از مومنانی که در زیر درخت (شجره بیعه الرضوان) با تو بیعت

کردند خشنود است.»

کسانی که خداوند از آنان خشنود است همان اصحاب و یاران پیغمبرند. همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ [الفتح: ۲۹].

«محمد پیغمبر خداست و آنهایی که همراه او هستند بر کافران سخت گیرند و در میان خودشان مهر آورند، آنان را همواره در رکوع و سجده می‌بینی. فضل و خشنودی خداوند را طالبند. سیمای خیر و طاعت در چهره‌هایشان از اثر سجود پیدا است.»

مردمی که همراه پیغمبر بودند و خود را فدای پیغمبر کردند و از جان و مال خود در راه پیغمبر دریغ نکردند یاران او بودند. خداوند در مورد آنها فرمود:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«خداوند تعالی از ایشان خشنود شد و ایشان نیز از خداوند متعال خشنود گشتند.»

رسول الله ﷺ در باره یاران خود فرمود:

«خیر القرون قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم.»

«بهترین مردم، مردم عصر من هستند (مقصود از آن صحابه و یاران پیغمبر است که در بهترین قرن یعنی قرن رسول الله ﷺ و در همراهی او می‌زیسته‌اند) پس از آن کسانی که بعد از ایشان می‌باشند دیگر مردمی که پس از ایشان باشند.» باید ایشان را بزرگ بدانند و آنها را به احترام یاد کنند. این موضوع در قرآن و سنت و اجماع امت ثابت است.

خداوند می‌فرماید:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۹].

«آیا مردم دانا و مردم نادان با همدیگر برابرند؟ خیر هرگز.»

در جای دیگر نیز می‌فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ [آل عمران: ۱۸].



«خدای یکتا بر این گواهی داد که معبودی به حق به جز خدای یکتا نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی خداوند گواهی دادند».

در این آیه پیامبران هم در جمله اولو العلم و دانشمندان یاد شده اند. در جای دیگر می‌فرمایند:

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: ۲۸].

«به راستی که دانشمندان از خدا می‌ترسند».

فضل و برتری دانشمندان همین است. بدین جهت هیچگاه نادانان با آنان برابر نخواهند بود.

گواهی دادن به یکتایی خدا از روی دلیل و واقع بهره‌ی دانشمندان است. ترس از خدا که سر آمد حکمت‌هاست به علما اختصاص دارد. پیامبر ﷺ فرمودند:

«کسی که بر خردسالان رحم نیاورد و شرف بزرگان را نشناسد از ما نیست».

رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

«لِيلِنِي مِنْكُمْ أَوْلُو الْأَحْلَامِ وَالنُّهْيِ ثُمَّ الَّذِينَ يُلُونَهُمْ - ثَلَاثًا - وَإِيَّاكُمْ وَهَيْشَاتِ الْأَسْوَاقِ».

«پشت سر من در نماز از بین شما کسانی که دارای حلم و فضل و عقل باشند بایستند. پس از آن کسانی که در این منزلت‌ها بعد از آنان هستند قرار بگیرند. -حضرت سه بار این جمله را تکرار نمود- شما را از بلند کردن صداهای بازاری در مساجد بر حذر می‌دارم».

آنچه که بیان شد در اول فضیلت و احترام و قرائت قرآن بود و سپس آثاری بود که قرآن بعد از تلاوت از ما می‌خواست. قرآن از انسان عمل می‌خواهد و تنها دلی، آباد است که بعد از قرائت قرآن به آن عمل نماید و قرآن را سر لوحه و برنامه زندگانی خود قرار دهد. قرآن برنامه زندگانی و سعادت بشر است. آدمی را از ظلمات و تاریکی‌ها به سوی روشنایی‌ها می‌برد

علامه اقبال در ابیاتی زیبا چنین می‌فرمایند:

نقش قرآن چون که بر عالم نشست  
فاش گویم آنچه در دل مضمّر است  
چون که در جان رفت جان دیگر شود  
با مسلمان گفت جان بر کف بنه  
نقشه‌های پاپ و کاهن را شکست  
این کتابی نیست چیز دیگر است  
حال چون دیگر شود جهان دیگر شود  
هر چه از حاجت فزون داری بده

## آداب ظاهری تلاوت قرآن

- ۱- لازم است شخص قرآن خوان وضو داشته باشد، چه در حالت ایستاده و چه به صورت نشسته قرآن را بسیار با ادب بخواند. بهترین قرائت آن است که شخص در حالت ایستاده و در نماز آن را می‌خواند.
- ۲- فرد قرآن خوان باید آن را آهسته و به صورت شمرده بخواند و در آن تفکر و تأمل بنماید. زیرا رسول الله ﷺ فرموده است:  
«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ لَمْ يَفْقَهُهُ». [از عبدالله بن عمر بروایت امام ترمذی]  
«هر کس قرآن را در کم‌تر از سه روز بخواند، نه قرآن او را آگاه می‌سازد و نه او معانی آن را درک می‌کند».
- ۳- مستحب است قرآن را با ترتیل و شمرده و با رعایت.

## تجوید بخوانیم:

- ۴- باید حق هر آیه را رعایت کنیم. وقتی به آیه سجده می‌رسیم سجده نماییم. همچنین اگر از قرائت دیگری آیه‌ی سجده را شنیدیم و وضو داشتیم لازم است سجده کنیم.
  - ۵- سجده تلاوت پس از خواندن آیه سجده بر قاری، سامع و مستمع بر هر سه سنت است.
- سجود تلاوت در قرآن چهارده تا است، آیه‌ی سجده، یک سجده دارد. این سجده‌های

قرائت عبارتند از:

دو سجده در سوره‌ی حج، دوازده سجده دیگر در سوره‌های:

«الأعراف والرعد والنحل والإسراء ومريم والفرقان والنمل وألم تنزيل السجده وفصلت والنجم والانشقاق والعلق».

سجده تلاوت حکم نماز را دارد. وضو و طهارت لباس و بدن و جای نماز و رو به قبله سجده کردن در آن لازم است. سجود تلاوت در نماز تابع نماز است و در بیرون از نماز به نیت، استقبال قبله، الله اکبر تحریمیه، الله اکبر سجود برای به سجود رفتن، سلام دادن بعد از فراغت از سجود و گفتن سبحان ربی الاعلی و بحمدہ در سجود و گفتن اللهم لک سجدت تا آخر در سجود، به همه‌ی این‌ها نیاز دارد.

در صحیحین (بخاری و مسلم) این روایت از عبد الله بن عمر وارد شده:

«كان النبي ﷺ يقرأ القرآن فيقرأ السورة فيها سجدة فيسجد، وتسجد معه حتى ما يجد بعضنا موضعاً لمكان جهته».

«رسول الله ﷺ سوره‌ای از قرآن را می‌خواند که در آن سوره سجود تلاوت بود ایشان به سجود می‌رفتند ما هم همراه ایشان به سجود می‌رفتیم، تا جایی که بعضی از ما (یاران پیغمبر) برای نهادن پیشانی‌شان بر زمین جایی نمی‌یافت».

۶- اگر در مسجد قرار داریم و یا در جایی که احتمال می‌رود قرائت قرآن ما سبب آزار دیگران شود و یا مزاحمتی برای آنها ایجاد نماید و باعث حواس پرتی دیگران در نماز شود، بهتر است قرآن را آهسته بخوانیم.

۷- در شروع قرائت قرآن نخست اعوذ بالله من الشیطان الرجیم می‌گوییم، چون خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ [النحل: ۹۸]. «آنگاه که قرآن را می‌خواهی تلاوت کنی از شیطان رجیم به خدا پناه ببر».

## آداب باطنی تلاوت قرآن

۱- لازم است شخص قرآن خوان تلاوتش همراه با تعظیم و تدبر باشد. زیرا خداوند به بندگان خود بی‌نهایت لطف و عنایت کرده است که قرآن را از عرش جلال خود به درجه فهم و درک آنها نازل فرموده است. پس بنگریم خداوند چه لطفی در حق بندگان خود مرحمت فرموده است. به طوری که حتی مفاهیم و معانی کلام خود را که صفت ذات مبارک اوست خور درک انسان قرار داده است. بنگریم که چگونه آن صفت قدیم و قائم به ذات خود را در قالب الفاظ و اصوات که لازمه‌ی صفات آدمی است متجلی ساخته است. چون انسان از درک صفات خداوند عاجز و ناتوان است و تنها در قالب صفات آدمی می‌تواند آنها را درک کند.

۲- قرآن خوان باید به محض تلاوت قرآن عظمت گوینده‌ی آن را در دل خود مستحضر نماید و چنان احساس کند که او مبلغ قرآن است و چنان بیندازد که خداوند به وسیله‌ی قرآن او را مورد خطاب قرار می‌دهد.

۳- با سکینه، آرامش و تدبر و تفکر، صبر و استجابات به تلاوت قرآن کریم پردازید. امام مسلم از حذیفه بن یمان روایت کرده که می‌گوید: شبی با پیامبر به نماز ایستادم. آن حضرت سوره‌ی بقره را قرائت نمودند. در دل گفتم چون صد آیه را بخواند رکوع خواهد نمود ولی آن حضرت از آیه صدم هم گذشت. در دل گفتم چون سوره‌ی بقره را تمام کند، رکوع می‌کند، ولی آن حضرت سوره‌ی بقره را تمام کردند و سوره‌ی آل عمران و سوره‌ی نساء و بعد سوره‌ی مائده را نیز خواندند. قرائت‌شان آرام و با ترتیل بود.

البته این عادت و شیوه پیغمبر ﷺ و صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین و تابعین رحمهم الله در پیروی از آن حضرت بود که با تدبر و تأمل و وقوف در مفاهیم و معانی آیات الهی عنایت خاصی داشتند.

۴- وقتی که مشغول تلاوت قرآن هستید به یاد آورید که خداوند با شما در حال حرف زدن است. اصل این موضوع در حدیثی آمده که رسول الله فرمودند: وقتی یکی از شما اراده سخن گفتن خود با خدا را دارد نماز بخواند و اگر می‌خواهد خدا با او سخن

بگویند قرآن را تلاوت نماید.

## اوصاف قرآن

قرآن کریم کتاب جاویدان و دستور بزرگ خداوند ﷻ است که بر جهانیان نازل فرموده است. با فرود آمدن این کتاب نزول همه کتاب های آسمانی پایان پذیرفت و با ارسال پیامبر بزرگ اسلام رسالت پیامبران قبلی منسوخ اعلام گردید.

دین اسلام نیز از هر حیث کامل ترین و جامع ترین ادیان آسمانی و خاتم همه ی ادیان قرار گرفت. بدون شک قرآن، دستور خالق ﷻ جهت اصلاح خلق و رساله ای آسمانی به زمین و قانون جاویدانی جهت نظم زمین می باشد.

قرآن، عظیم ترین برهان و آیه ی رسالت رسول امین محمد ﷺ است و در همه اعصار دلیل بزرگی بر صداقت، حقانیت، امانت داری، رسالت و نبوت آن حضرت به شمار می رود. قرآن دلیل حقانیت، رسالت و نبوت آن حضرت به شمار می رود.

قرآن بر روح ها و روان های آدمی بی نهایت تاثیرگذار است، در فاصله ای اندک آدمی را متحول و دگرگون می کند و همین تاثیر قرآن بود که توانست روند تاریخ را تغییر دهد.

مع الوصف در محدوده ی عربستان توقف ننموده، بلکه به تمام جهان رسید و همه را متحد، یک دست و با هم نزدیک نمود. در نتیجه امت واحدی را به وجود آورد و بشریت را که در آستانه ی سقوط به گودال نیستی و بدبختی بود رهایی بخشید. گویا به آنان خلقت و حیات تازه ای داد و سرافراز و سربلندشان نمود.

قرآن عظیم ستون و تکیه گاه زبان عربی است. زیرا بقاء صفا، سلامتی، سلاست، فصاحت و خالصیت زبان عربی در همه اقشار و اقسامش از آن استمداد می جوید و به وسیله ی قرآن است که بر سایر زبان ها در سبک و محتوا تفوق و برتری یافته است.

قرآن عظیم آیت بزرگ خداوند است. باید گفت که این آیت و معجزه، با دیگر آیات و معجزات داشته و انوار و اسرار آن با دیگران تفاوت کلی دارد. زیرا این قرآن کلام

خداوند تبارک و تعالی است. همو که حی و قیوم است و ملکوت آسمان ها و زمین را در ید قدرت خود دارد و بر همه چیز قادر و توانا است.

قرآن عظیم در لغت، نظم و اسلوب، هدایت و علوم برای همه‌ی مردم معجزه بود، به گونه‌ای که همه‌ی ادیبان و سخنوران از آوردن همانند آن عاجز گردیدند. مشهورترین ادیبان و شعرا در مقابل اعجاز آن لال و بی‌زبان شدند. چنانچه پوشیده نیست که قرآن کریم انس و جن را در این که سوره‌ای مثل قرآن را بیاورند به مبارزه طلبیده است. احدی قدرت ارائه‌ی جواب را نداشته و ناگزیر همه‌ی کسانی که قصد معارضه با قرآن را داشتند تا امروز و تا قیام قیامت به سکوت متوسل شدند و می‌شوند.

حتی رسول اکرم ﷺ که قرآن بر وی نازل گردید این استطاعت را نداشت که با مواهب بزرگ خود سوره‌ای کوتاه و یا دراز بیاورد. در این باره آیاتی صریح و گویا وجود دارد. نبی کریم ﷺ نیز مانند دیگر مردم از ارائه مثل قرآن عاجز بود. آیه‌ای که خداوند ﷻ طی آن به پیامبرش امر فرمود تا هنگام مبارزه طلبی به مردم بگوید و برایشان قرائت نماید و از آن استدلال بر نبوت و رسالت خویش بنماید همین نکته را می‌رساند:

﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أُمِّتٌ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِيٰ أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي ۚ إِنَّ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۵﴾﴾ [یونس: ۱۵].

«چون بر آنها (کفار) آیات بینات ما خوانده شود آنان که امید ملاقات ما را ندارند می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور و یا این قرآن را بدل گردان. بگو: برای من این مقدور نیست که از جانب خود آن را بدل گردانم. جز از آنچه برایم فرستاده شده پیروی نمی‌کنم. من اگر خداوند خود را نافرمانی ننمایم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. بگو اگر خدا نمی‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم و نه شما را از آن با خبر می‌ساختم. یقیناً در بین شما عمری پیش از آن به سر برده‌ام (و از وحی و قرآن چیزی نمی‌دانستم) آیا تعقل نمی‌ورزید؟».

قرآن عظیم حائز شیوه‌ی دقیقی است. همه‌اش خرده‌ها را مخاطب قرار می‌دهد. نظم و اسلوب شگرف و عجیب آن نیز از اسلوب و نظم واحدی پیروی نمی‌کند. بلکه به

سوره‌های کوچک و بزرگ، آیات بزرگ و کوچک و متن‌های آرام و کوبنده تقسیم شده است.

به گونه‌ای که عدد آیات برخی از این سوره‌ها از صد آیه نیز تجاوز می‌کند. آیات برخی سوره‌های دیگر از ده، هفت، سه و... بیشتر نیست. در درازی و کوتاهی فواصل و مقاطع این آیات تفاوت اساسی به چشم می‌خورد. چنانچه برخی آیات متفق الفواصل اند حکمت این امر نیز در شمولیت آیات قرآنی و حایز بودن مسائل، احکام و مفاهیم عالی، اسماء خداوند و آیه‌ها و نشانه‌های هستی می‌باشد، به گونه‌ای که هر آیه‌ای مطلب خاصی را بیان می‌دارد. راجع به احکام، آداب، پندها، امثال، قصص، اخبار و... بحث شده است. این است که در برابر این هماهنگی و نظم خاص قرآنی همه‌ی ادیبان، شاعران و سخنوران به عجز خویش اعتراف ورزیده‌اند و تسلیم آن شده‌اند.

### اوصاف قرآن از زبان دشمنان اسلام

در این بحث می‌خواهم یکی از شهادت‌های سر سخت‌ترین دشمنان اسلام و قرآن کریم را که خود یکی از بزرگان کفار قریش بود ذکر کنم. زیرا این وصف از لحاظ این که گفته و اعتراف دشمن است بدون شک قابل توجه و دقت بوده است. می‌توان ادعا کرد که این بزرگ‌ترین دلیل عجز دشمنان قرآن در برابر آن است. حاکم در کتاب «دلائل النبوة» به روایت از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما چنین نقل می‌کند:

در یکی از روزها ولید بن مغیره‌ی مخزومی که از روسای معروف قریش بود نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. آن حضرت قرآن را بر او خواند. ولید سخت تحت تاثیر قرار گرفت و به عنوان دل سوزی چنین گفت: شگفتا! پسر ابی‌کبشه (مراد حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود) چه می‌گوید. قسم به خدا گفته او به شعر و سحر شباهتی نداشته و لهو و لعب نیست و نه می‌توان گفت پرخاشگری است که نشانه‌ی جنون باشد. یقیناً آنچه او می‌گوید کلام خداوند صلی الله علیه و آله است.

چون گروهی از قریش این خبر (اعتراف ولید بن مغیره) را شنیدند، فوراً اجتماعی تشکیل دادند و چنین اظهار نمودند که اگر ولید از آیین آباء و اجدادش بیرون شود و آن را ترک نماید بدون شک همه قریش آیین آبایی‌شان را ترک خواهند نمود. وقتی این خبر به گوش ابو جهل رسید بلا فاصله به سوی خانه او حرکت نمود. چون در خانه با هم ملاقات کردند، ابو جهل چنین صحبت را آغاز نمود:

عموی عزیز، می‌دانی که قوم حاضر شده‌اند برای تو مال و پول جمع کنند، با این وجود تو نزد محمد رفته و حرف‌های قوم و پیشینیان خود را نقض داشته‌ای و اعتراف نموده‌ای که اقوال و گفته‌های او آسمانی است. ولید پاسخ داد: قریش همه به خوبی می‌دانند که از همه‌شان بیشتر مال و پول دارم. لذا احتیاجی به مال آنها ندارم. در این هنگام ابو جهل گفت: قبول است. پس خواهش می‌کنم در باره‌ی محمد چیزی بگو تا همه مردم و قبیله متقاعد شوند و بپذیرند که تو از محمد متنفری و نسبت به او انزجارت را اعلام داشته‌ای. ولید گفت: چه بگویم؟ قسم به خدا، شخصی در میان شما وجود ندارد که عالم‌تر و دانشمندتر از من در قصیده، سجع و قافیه‌ی شعر باشد.

سوگند به خدا آن چه این مرد (محمد) می‌گوید هیچ‌گونه شباهتی به این چیزها (اشعار یا گفتار جنیان) ندارد. سوگند به خدا که در گفته‌های او یک نوع حلاوت و شیرینی وجود دارد و از طراوت و تازگی به خصوصی برخوردار است. آغاز گفتارش مثمر و نتیجه بخش و آخرش مفید و لذت‌آور است.

در تمامی حرف‌هایش فیوضات فراوانی نهفته است. مهم‌تر این که گفتارش عالی است. هیچ گفته‌ای از آن برتری ندارد. بر هر چیز چیره می‌گردد و چیزی نمی‌تواند بر او چیره شود.

ابو جهل گفت: قسم به خدا تا چیزی در باره او نگویم قوم از تو راضی نخواهد شد. در این هنگام ولید مهلت خواست و تقاضا نمود تا اجازه‌ی تفکر در این باره به او داده شود. بعد از مدتی اندیشیدن چنین اظهار نظر کرد:



گفتار محمد جادویی است که از ساحران دیگر تاثیر پذیرفته است.

خداوند جهت آگاهی مسلمین در سوره‌ی مدثر چنین می‌فرماید: ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ  
وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾ وَبَيْنَ يَدَيْهِ شُهُودًا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ  
أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾ سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾ فَقَتِلَ  
كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾  
فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾ إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا  
سَقَرٌ ﴿٢٧﴾ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوْحَةٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ ﴿[المدثر: ۱۱-۳۰].

«بگذار مرا با کسی که او را تنها آفریده‌ام، به او مال فراوان داده‌ام و با فرزندان حاضر. بسیار به او میدان و امکان دادم. باز طمع می‌ورزد که افزون سازم. چنین نیست. بی‌گمان در حق آیات ما ستیزه جو بود. او را به کار سختی خواهم گمارد. هر آینه او تامل نمود و اندازه مقرر کرد. پس کشته باد (لعنت باد) چگونه اندازه کرد؟ بار بار نگریست و باز رو ترش کرد و پیشانی درهم کشید. باز پشت گرداند و تکبر کرد و گفت: نیست قرآن مگر جادویی که از ساحران نقل می‌شود، نیست این قرآن مگر کلام آدمی. او را در دوزخ خواهم آورد و چه چیز تو را مطلع ساخت که دوزخ چیست؟ باقی نمی‌گذارد و ترک نمی‌کند. برای آدمیان سوزنده است. بر دوزخ نوزده کس گمارده شده‌اند.»

## بازگشت به قرآن

این بحث را با اشعاری از علامه اقبال لاهوری شاعر و دانشمند معروف جهان اسلام آغاز می‌کنیم. وی در وصف قرآن کریم و بیداری مسلمین در بازگشت به قرآن می‌گوید:

آن کتاب زنده قرآن حکیم	حکمت او لایزال است و قدیم
نسخه‌های اسرار تکوین حیات	بی‌ثبات از قول او گیرد حیات
نوع انسان را پیام آخرین	حامل او رحمه للعالمین
رهزنان از حفظ او رهبر شدند	از کتابی صاحب دفتر شدند
بنگر آن سرمایه‌ی آمال ما	گنجد اندر سینه‌ی اطفال ما

با کمال اطمینان باید بگوییم در وعده‌ی خدایی هیچ‌گونه شکی نیست. مومنان راستین هر گز شکست نمی‌خورند. هر وقت که در تاریخ خود کاملاً مغلوب شده‌اند ناچار شکاف در حصار ایمان از راه احساس یا عمل پیدا شده است. شکست انسان متناسب با همین شکاف است. پس از آن دوباره پیروزی از آن مومنان بوده است. اگر در طول تاریخ مسلمانان، آنگاه که پرچم پیروزی از دست آن‌ها ربوده شده نیک دقت کنیم، خواهیم دید که علتی از این نوع وجود داشته است. باید گفت که وعده‌ی خدا همه وقت بر حق بوده و خواهد بود. آری، آزمایش و ابتلاء ما در بر دارنده‌ی حکمتی است. این حکمت عبارت است از کامل شدن حقیقت ایمان و بیدار شدن آن در سینه‌ها. هر وقت ایمان به مرحله‌ی کمال رسید و یا ابتلاء به صورت نیرومندی برانگیخته شد، پیروزی می‌رسد و وعده‌ی خدا تحقق پیدا می‌کند.

چیرگی کافران بر ما آن روز نیست که در میدان نبرد پیروز شوند، بلکه آن روز است که بر روان‌های ما چیره شوند و چنان پنداریم که نیروی آنان شکست ناپذیر است. خود را در برابر آنان کوچک و ناتوان بدانیم و امید کامیابی نداشته باشیم. در آن هنگام که قرآن می‌گوید: خداوند هرگز برای کافران در برابر مسلمانان راهی قرار نخواهد داد. نظر به روح مومنی دارد که پیروز می‌شود و نظر به فکر مومنی دارد که غلبه با اوست. میان ما و پیروزی در هر زمان و مکان اینقدر فاصله است که حقیقت ایمان را در خود کامل کنیم. یکی از حقایق ایمان آن است که به دشمنان خود اعتماد و تکیه نداشته باشیم. جز از خداوند بزرگ از دیگری طلب عزت و نیرومندی نکنیم. هیچ‌کس نباید چنین بگوید که از ایشان کسب نیرو می‌کنیم تا نیرومند شویم، چه این گفته خود نخستین گام در راه شکست است.

اکنون وضع ما با دشمنان در اثر فاصله گرفتن از قرآن و اسلام درست به مثابه‌ی روبرو شدن ظاهر ایمان با حقیقت کفر است. به همین جهت است که آنان بر ما چیره و پیروز می‌شوند. آنان به خدا کافرند ولی به ماده ایمان دارند، اگرچه ماده کوچک است ولی

حقیقت دارد.

بار الهی! روز بازگشت ما به قرآن نزدیک است، بازگشت به مکتب نجات بخش اسلام، بازگشت به فرامین و دستورات الهی و به سنت گهر بار رسول الله، بازگشت به افتخارات دیرینه‌ی اسلام و مسلمین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.